خبر

اسحاق جهانگیری:

پیام حوادث آبان ۹۸ خشم مردم از فقر و تبعیض بود

● **ایسنا:** معاون اول رئیس‌جمهور روز گذشته در آیین آغاز عملیات بازسازی پنج هزار واحد مسکونی مناطق آب‌گرفته خوزستان که به صورت نمادین در بندر امام خمینی (ره) انجام شد، گفت: وقوع سیل ۹۸ و آب‌گرفتگی امسال در برخی شهرهای کشور، به‌ویژه در خوزستان، اهواز و بندر امام (ره)، این مسئله را برای همه مسئولان کشور آشکار کرد که باید برنامه‌های بلندمدت‌تری برای حل مسائل مردم در نظر گرفته شود. اینکه مردم یک منطقه و شهری مانند بندر امام که در یک نقطه حساس و در کنار مهم‌ترین مراکز اقتصادی کشور قرار دارند و از سرپناه مناسبی برخوردار نیستند، برای همه ما دردآور است. اسحاق جهانگیری افزود: در جمهوری اسلامی ایران برای هیچ مسئولی افتخار نیست که در کنار سرمایه‌گذاری‌های بزرگ ملی و عظیمی که در کشور انجام شده است، مردمی زندگی می‌کنند که حداقل‌های امکانات زندگی را ندارند. مردم ایران در تاریخ نشان داده‌اند که از تبعیض، فساد و فقر رنج می‌برند و همواره از حکومت‌ها انتظار دارند برای ازبین‌بردن مشکلات‌شان، قدم‌های واقعی بردارند و اقدامات اساسی انجام دهند. او عنوان کرد: زمانی که به ما گفتند در کنار بزرگ‌ترین بندر کشور، یعنی بندر امام خمینی (ره) که مهم‌ترین کالاهای مورد نیاز سراسر کشور را از این بندر وارد می‌کنند، خانه‌هایی وجود دارد و مردمی زندگی می‌کنند که از حداقل‌های زندگی برخوردار نیستند، دولت تصمیم گرفت اقدام بزرگی در این راستا انجام دهد، بنابراین چهارشنبه هفته گذشته در هیئت دولت دو مصوبه در این زمینه داشتیم. معاون اول رئیس‌جمهور گفت: نخستین‌بار است که برای کلنگ‌زنی چنین طرحی حضور پیدا می‌کنم و یکی از دلایل این کار این است که پس از حوادث ناگوار آبان‌ماه سال ۹۸ همواره یک غصه به دلم نشسته بود که مردم ماهشهر و بندر امام مشکلی با جمهوری اسلامی ایران و نظام ندارند؛ مشکل این مردم تبعیض و فقر است و وظیفه اداری و قانونی مسئولان این است که این مشکلات را با جدیت دنبال کنند. جهانگیری ادامه داد: صنایع پایین‌دستی باید زمینه لازم به منظور سرمایه‌گذاری را فراهم کنند و در این کارخانه‌ها و کارخانه‌های پایین‌دست، صنایعی ایجاد شود که نه‌تنها مشکل اشتغال جوانان منطقه بلکه بخش بزرگی از مشکلات کشور حل شود. این حجم عظیم سرمایه‌گذاری در هیچ نقطه دیگری از کشور انجام نشده است؛ اینجا کانون بزرگ توسعه و سرمایه‌گذاری و پیشرفت ایران است و باید به این مسائل توجه شود. او گفت: در شورای اقتصاد تصویب کردیم که چهار درصد از سرمایه‌گذاری‌های همه بنگاه‌های بزرگ که کار صنعتی می‌کنند باید در کنار منطقه‌ای که قرار گرفته‌اند، انجام شود و مسائل اجتماعی را حل‌وفصل کنند. مردمی که در کنار این واحدها قرار دارند، نباید احساس کنند که با مسائل ابتدایی زندگی درگیر هستند و این موضوع پیگیری می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور همچنین در حاشیه بازدید از گمرک بندر امام خمینی (ره) افزود: بندر امام (ره) یکی از مهم‌ترین بنادر فله‌ای و استراتژیک کشور است که کالاهای اساسی مورد نیاز مردم از این بندر وارد و در سطح کشور توزیع می‌شود. در زمان جنگ اقتصادی، مردم ملاحظه کردند که کالاهای اساسی کشور در همه نقاط به اندازه کافی وجود داشت و تنها، افزایش قیمت برخی کالاها مردم را اذیت می‌کند. جهانگیری عنوان کرد: درحال‌حاضر بیش از ۳۰۰ هزار تن دانه روغنی و روغن خام در انبارهای گمرکات بندر امام (ره) وجود دارد. همچنین کشتی‌های تجاری به صورت مستمر اقلام مورد نیاز کشور را از طریق بندر امام وارد می‌کنند، بنابراین دغدغه کمبود کالای اساسی وجود ندارد. او همچنین در حاشیه بازدید از طرح ۵۵۰ هزار هکتاری کشاورزی مقام معظم رهبری در هویزه گفت: کشت‌های استراتژیکی در این اراضی انجام شده و درآمد کشاورزان نیز به همین نسبت افزایش یافته است و بسیار خوشحال هستیم که زندگی بخش وسیعی از مردم که در روستاها هستند ازنظر درآمدی افزایش می‌یابد.

پاسخ صادق خرازی به اتهامات حسین شریعتمداری:

شما فیلم‌ساز خوبی نیستید

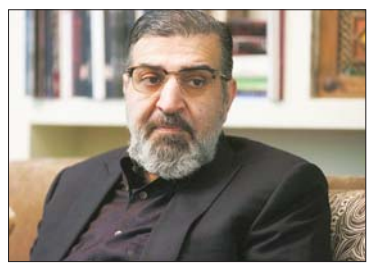

شرق: مشخص بود مناظره تلویزیونی هفته گذشته حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان و صادق خرازی دبیرکل حزب «ندای ایرانیان» بدون حاشیه و جنجال نخواهد ماند. مناظره‌ای که در آن هر دو طرف بارها اعلام کردند دوستی و رفاقت دیرینه دارند اما پاسخ‌های روز گذشته این دو چیز دیگری را نشان می‌دهد. شریعتمداری در آن شب باز از سیدمحمد خاتمی، مؤسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها و نامزدهای انتخابات سال ۸۸ اسم برد و آنان را متهم به رابطه با بیگانگان کرد. او در قسمتی از این مناظره خطاب به خرازی گفت: «ریچارد هاوس از سران فتنه ۸۸ به‌عنوان دوستان خود نام برد و نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز گفت بزرگ‌ترین سرمایه‌ها و امید ما سران اصلاح‌طلبان هستند. چرا این افراد که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از آنها به‌عنوان دوست و امید نام می‌برد، این رابطه را تکذیب نمی‌کنند؟ اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، برخی علنی وطن‌فروشی کردند که اسناد آن وجود دارد».

دبیرکل حزب ندا نیز تا جایی که توانست از رئیس دولت اصلاحات و مؤسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها دفاع کرد اما شریعتمداری در روزنامه خود بر ادعاهای خود پافشاری کرد و به حساب خود جواب خرازی را داد و به او حمله کرد.

کیهان دیروز نوشت: «دیویدسن به لطف مساعدت‌های صادق خرازی، مشاور ارشد خاتمی (و مشاور [حسن روحانی] یکی از نامزدهای سرشناس ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲) توانسته بود روابط نزدیکی را با دفتر تازه‌تأسیس مؤسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها در ژنو برقرار کند. خیلی از رازهای «دفتر ژنو» بعدها توسط محمدعلی ابطحی در «دادگاه کودتای مخملی» برملا گشت، ولی رئیس‌دفتر سابق خاتمی هیچ صحبتی از ارتباط رئیس‌جمهور سابق با این زن آمریکایی نکرد. روابط دیویدسن با خاتمی تحت پوشش بنیاد بلوط سبز شکل گرفت. این بنیاد آمریکایی برای حمایت از «جامعه مدنی ایران» تأسیس شد و دیویدسن ریاست هیئت‌مدیره آن را برعهده داشت ولی جنس رابطه‌اش با خاتمی فقط سیاسی نبود. طبیعتا به خوبی باید «حفظ ظاهر» می‌شد و یک توجیه خوب با عنوان «همکاری برای مطالعه سنت‌های بشری در تمدن‌های مدیترانه» (پروژه مشترک «دفتر ژنو» با بنیاد بلوط سبز) سوءظن‌ها را برنمی‌انگیخت».

در ادامه این یادداشت آمده است: «خاتمی همراه صادق خرازی شام آخر را در آمریکا خورد و ۷۰ میهمان برجسته در «ضیافت بلوط سبز» با رئیس‌جمهور اصلاحات سر یک میز نشستند اما دیویدسن فقط یک «میهمان ویژه» داشت: پیرمردی ۸۶ساله ولی سالم و سرحال که مثل خودش آمریکایی بود؛ یک زن و مرد با شباهت‌های شگفت‌انگیز بسیار. خاتمی نیز انتظار این ملاقات را می‌کشید، چون همان‌طور که انستیتو مطالعات خاورمیانه برای واشنگتن در گزارش خود تأیید کرده است، اساسا خاتمی صدور روادید سفرش به آمریکا را مدیون رایزنی‌های مؤثر چنین چهره‌هایی با کاخ سفید بود. این میهمان ویژه کسی جز پروفسور ریچارد فرای نبود که کمی بعد از سیدمحمد خاتمی وارد خانه الگا دیویدسن شد. از آن دیدار صادق خرازی رابط و هماهنگ‌کننده ملاقات‌های رئیس‌جمهور خاتمی با فرای بود و در آخرین سفر و شام آخر «ضیافت بلوط سبز» نیز خرازی این بار با یک کروات مشکی کنار دست دیویدسن و فرای و خاتمی نشست...».

صادق خرازی نیز دیشب در یادداشتی که در اختیار ایلنا قرار داد، به اتهامات روزنامه کیهان علیه خود و سیدمحمد خاتمی واکنش نشان داد و خطاب به حسین شریعتمداری نوشت: «پیرو مطلب امروز روزنامه کیهان در مورد اتهامات بی‌سند و مدرک به برخی بزرگان جریان اصلاحات و مؤسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها بیان موارد زیر را جهت تنویر افکاری عمومی لازم دانستم. امیدوارم همان‌قدر که شهامت داشتید و از اشتباه‌تان در مورد آیت‌الله سیستانی عذرخواهی کردید، شهامت عذرخواهی از کسانی که همواره در معرض اتهامات دروغ و واهی شما هستند، هم داشته باشید. در مناظره حضوری هفته گذشته هم خدمتتان عرض کردم که این نگاه و رویکردی که شما در پیش گرفته‌اید از هر دشمن خارجی و تهدیدی برای امنیت ملی کشور خطرناک‌تر و مخرب‌تر است. اینکه شما تمام سرمایه‌های اجتماعی مردم و کشور را که نمی‌پسندید، تخریب می‌کنید و با تحقیر مسئولان و حاکمیت کشور، چهره‌ای خوار و خفیف و مرعوب‌شده از تمامی نیروهای ملی اعم از سیاسی و نظامی و امنیتی به تصویر می‌کشید، تا اقتدار اسرائیل و آمریکا و دشمنان کشور را اثبات کنید، نه به نفع کشور است، نه به نفع مردم و نه به نفع نظام».

دبیرکل حزب ندای ایرانیان ادامه داد: «در مورد مطلبی که نوشتید هیچ قرارداد و پروژه مشترکی بین مؤسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها چه در ایران و چه در خارج از کشور با بنیاد بلوط سبز در هیچ حوزه‌ای وجود نداشته و ندارد. در سفر جناب آقای خاتمی به آمریکا که ایشان در دانشگاه هاروارد و ام‌آی‌تی سخنرانی داشتند و با اقتدار و قدرت از دموکراسی دینی ولایت و انقلاب بزرگ ملت ایران در مقابل صدها مخاطب دفاع کردند، به درخواست جناب دکتر محلاتی از آقای خاتمی دعوت شد تا در مراسم عصرانه‌ای برای جمعی ۷۰ الی ۸۰ نفره در مورد عظمت فردوسی و ادبیات ماندگار شاهنامه سخنرانی کنند. بنده هم میزبان نبودم. خانم دیویدسن استاد دانشگاه که در حوزه ادبیات فعال هستند، کتاب شاهنامه را با هماهنگی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی چاپ و در این جلسه رونمایی کردند که هیچ ربطی به مؤسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها نداشت. حکایت شما در این روایت کذب، حکایت خسن و خسین هر سه دختران معاویه‌اند شده است. آقای ریچارد فرای ایران‌شناس ایران‌پژوه با صدها اثر و رساله وجیزه علمی و تربیت صدها شاگرد و دانشجو در دانشگاه‌های معتبر جهان به نقش ادبیات فارسی در تکوین و تکامل فرهنگ و ادبیات جهان همت گمارده است، او شاگرد پاسخ پرفسور ادوارد براون و ده‌ها استاد مبرز دیگر ایرانی بود که در شبستان بلند ایران‌شناسی و ایران‌پژوهی ماندگار شد».

خرازی نوشت: «او در دوره‌های مختلف با نمایندگی‌های ایران در سازمان ملل و واشنگتن با وزیران فرهنگ و صاحب‌نظران ایرانی مراودات علمی و جلسات فکری و پژوهشی داشته‌اند و حتی رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد با وی ملاقات و دیدار داشتند. این دیدارها در عرف بین‌الملل و سیاست خارجی ایران چیز عجیبی نبوده است و نیست؛ همواره دستگاه دیپلماسی ایران با تیزبینی و زیرکی وظیفه خود دانسته تا با افراد صاحب‌نظر برای شناخت بیشتر کشورهای مختلف ازجمله کشورهای دشمن گفت‌وگو می‌کند. اما برخلاف داستان‌سرایی شما که از دل افراد برای انتظار دیدار حکایت می‌کند، هیچ دیدار محرمانه و خصوصی‌ای در منزل هیچ فردی صورت نگرفت و از اساس ادعاهای شما کذب و دروغ است. کاش تجدیدنظری جدی در مورد کسانی که در این موارد به شما مشورت می‌دهند یا مشوق شما و روزنامه کیهان در این سناریونویسی‌های نخ‌نما هستند، می‌کردید. ماجرای کروات هم صرفا شوخی من با آقای دکتر مهدوی‌دامغانی بود که کروات ایشان را باز کردم و آقای محلاتی نیز به شوخی آن عکس را گرفتند و در صفحه فیس‌بوک‌شان گذاشتند. اصل و فرع ماجرا تنها طنز و شوخی بود و جالب است به قول آقای ابطحی نیز در اینکه در این سفر حضور نداشتند و ادعای ایشان در دادگاه‌شان بر اساس فتوای رهبری در مورد دیگران مسموع نیست، ارجاع فرموده‌اید».

در این یادداشت صادق خرازی خطاب به شریعتمداری آورده است: «شما بارها به کذب و دروغ مدعی شدید جناب آقای خاتمی با سوروس دیدار داشته‌اند. با وجود تکذیب رسمی ایشان و همه افرادی که در جریان هستند ازجمله بنده کمترین که مستشار مؤتمن و مشاور ارشد سیاسی ایشان بوده‌ام و کاملا آن را رد کرده‌اند و کرده‌ام، مجددا بر این خلاف‌گویی پافشاری کرده‌اید. پرسش اصلی اینجانب این است این دیدار در کجا و در چه زمانی با حضور چه افرادی انجام شده است که هیچ نهاد امنیتی و مسئولی جز شما از آن خبر ندارد. واقعا تصور می‌کنید فردی با پروتکل‌های امنیتی و حفاظتی آقای خاتمی یا در این سطح می‌تواند بدون اطلاع سفارت و مسئولین و مشاورین خود که همواره در زیر چشمان تیزبین نهادهای امنیتی هستند با کسی دیدار کند و کسی از آن خبر نداشته باشد؟ جالب است بدانید جناب آقای خاتمی چه در دوران ریاست‌جمهوری و چه پس از آن، در صورتی که از دیدگاه مقام معظم رهبری مطلع می‌شدند، علی‌رغم دیدگاه خود، نظر و دیدگاه رهبری را رجحان می‌دادند و یک گام در سیاست خارجی بدون هماهنگی با مقامات انجام ندادند. اینکه تهمت بزنید کار ساده‌ای است. کمااینکه من می‌توانم مدعی باشم شما با شیمون پرز دیدار داشته‌اید. لااقل اگر دیدار نداشته‌اید همیشه اتحادهای نانوشته استراتژیک با اسرائیل داشته‌اید. اگر اتحاد هم نداشته باشید، خدمات متقابل شما و اسرائیل در آسیب‌رساندن به منافع ملی ایران غیر قابل انکار و کتمان است.

شما چشمانتان را بر حقیقت بسته‌اید. کاش شما که نماینده ولی فقیه هستید از مشی و سیره و ادب شخص رهبری که حرمت مخالفان خود را پاس داشته‌اند، پیروی می‌کردید یا از جناب آقای دعایی با ادب و متانت مثال‌زدنی‌شان یاد می‌گرفتید و پلی می‌شدید برای جذب جوانان و نخبگان کشور به نظام. ای‌کاش شما منش و فضائل مقام معظم رهبری را در بسط اندیشه و گسترش عقیده و کرسی‌های آزاداندیشی حوزه و دانشگاه سرلوحه کار خود قرار می‌دادید. کاش به‌جای اتهام‌زدن و کم‌ظرفیتی و همه را دشمن خطاب‌کردن دیگران، سعه صدر بیشتری داشتید. نمی‌توانید با سوءاستفاده از جایگاه روزنامه کیهانی که به مقام معظم رهبری منصوب است، تماما به افراد اتهام‌های بی‌سند و مدرک بزنید و متوجه تبعات شرعی و سیاسی آن نباشید. اینکه شما تسویه‌حساب مناظره تلویزیونی را به صورت یک‌طرفه در روزنامه کیهان با بودجه بیت‌المال انجام می‌دهید، آیا حق‌الناس نیست؟ به روز مرگ و روز قیامت باور ندارید؟ این روزها همه در تهدید مرگ قرار گرفته‌ایم. جواب روز قیامت را با این رفتارها و سوءاستفاده‌ها چگونه می‌خواهید بدهید؟».

او نوشت: «آقای شریعتمداری شما یا می‌دانید دروغ می‌گویید یا نمی‌دانید. اگر آگاهانه دروغ می‌گویید که دچار یک ماکیاولی پیش‌افتاده و مبتذل شده‌اید که سال‌هاست جامعه ما دیگر در دام آن نمی‌افتد. در این صورت شما فیلم‌ساز خوبی نیستید. فیلم‌ها و سناریوهای شما نه فروش مردمی خوبی دارد و نه مورد تحسین منتقدان قرار می‌گیرد. یا در حالت دوم شما فکر می‌کنید که راست می‌گویید که در این حالت دچار سندرم مرد شکاک شده‌اید که به هر کسی و هر چیزی شک دارید و با این شک‌ها در این مدت جز آسیب و تخریب نفوس تولیدی نداشتید. یادتان باشد وقتی ما عادت کنیم که پاسخ هر نقد منطقی و دلسوزانه توأم با آرامش و عقلانیت را با سناریوسازی‌های پلیسی امنیتی بدهیم، تنها خروجی‌اش در بلندمدت آن است که نقدهای دلسوزانه و عقلانی خاموش می‌شود و شما می‌مانید و فریادهای احساسی و خصمانه. من برخلاف شما که مخالفین خود را دشمن مردم و نظام و جاسوس و... می‌خوانید، شما را دشمن نظام خطاب نمی‌کنم. من می‌دانم که شما دوستدار نظام هستید. من همان حسین شریعتمداری همراه و همکار خود را ارج می‌گذارم و دوست ندارم انبانی از اتهامات درست و نادرست در کارنامه تاریخی شما با تیغ بی‌رحم تاریخ به محک زده شود. اما دوستی شما برای نظام از جنس دوستی بی‌خردانی است که به نیت خیر نتیجه‌ای جز زیان و آسیب برای نظام به بار نمی‌آورند».

درخواست محاکمه روحانی از مشهد

می‌خواستند او را استیضاح کنند و مانند بنی‌صدر رأی به عدم کفایت سیاسی‌اش بدهند که نتوانستند، خواستند از او سؤال کنند باز هم نتوانستند. دست آخر دست به شکایت بردند. گویا به آن هم چندان امیدی ندارند که حالا از حربه «مردم» استفاده کرده‌اند. جمعی از حامیانشان در مشهد گرد هم آمده‌اند و یکی از نمایندگان مجلس و عضو جبهه پایداری هم آنجا سخنرانی کرده است. همان شهری که سه سال قبل، ماجراهای اعتراضی دی ماه ۹۶، شعارهای هدایت‌شده ضد دولت از آنجا آغاز شد. محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا در اینستاگرام خود نوشته است: «از این بازی (شکایت از رئیس‌جمهور) بوی فتنه می‌آید. شکایت از رئیس‌جمهور بهانه است، آشوب جدید نشانه است. اگر حوادث دی‌ماه ۹۶ مشهد را سازمان‌های امنیتی درست بررسی می‌کردند و گزارش آن را به اطلاع مردم می‌رساندند خیلی از قضایا تمام می‌شد. آقای پژمانفر، عضو جبهه پایداری که تشکیلاتش در دی ۹۶ مظنون به راه‌اندازی ناآرامی‌ها بود، برای جلوگیری از فتنه جدید بازخواست می‌شود؟». در جریان برگزاری مراسم خاک‌سپاری محمدتقی مصباح‌یزدی، در قم هم عده‌ای از طلبه‌ها و دیگر مخالفان برجام، با نصب طومار و در درست گرفتن پلاکارد، خواهان محاکمه حسن روحانی، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه و علی لاریجانی، رئیس سابق مجلس شورای اسلامی شدند. در زمان نزدیک به شروع مراسم تشییع، یک بنر و طومار برای جمع‌آوری امضا، در نزدیکی در ورودی مصلای قم نصب شد که در آن نوشته شده بود: «امام خامنه‌ای: برجام خسارت محض است؛ محضر مبارک حضرت آیت‌الله رئیسی ریاست محترم قوه قضائیه؛ با عنایت به فرمایش فوق‌الذکر امام خامنه‌ای، آقایان حسن روحانی، علی لاریجانی، محمدجواد ظریف و تیم همراه که مسببین اصلی خسارت به اقتدار سیاسی، اقتصادی و منافع ملی می‌باشند! لذا خسارت مدال ندارد و گیرندگان ۷۵۰ سکه، باید آنها را به خزانه بیت‌المال بازگردانند؛ بر این اساس، ما امضاکنندگان ذیل، از ریاست محترم قوه می‌خواهیم با قاطعیت، مسببین خسارت را محاکمه و مجازات فرمایید. بدیهی است این اقدام، مرضی خداوند متعال، شهدا و امام شهیدان خواهد بود. اساتید، طلاب و مردم ولایت‌مدار قم». چهار روز پیش هم احمد امیرآبادی‌فراهانی، نماینده قم در مجلس، از پیشنهاد روحانی برای محاکمه او به جای آذری‌جهرمی استقبال کرد! او با هشتگ‌های روحانی، محاکمه و حقوق مردم در توییتر نوشت: «آقای روحانی برای محاکمه خودش اعلام آمادگی کرده. خوب است قوه قضائیه استقبال کرده و عامل اصلی گرانی خودرو، مسکن، اقلام خوراکی و حذف کارت سوخت، دودشدن سرمایه مردم در بورس و بسیاری از مصائب دیگر که باعث از هم پاشیده‌شدن خانواده‌ها شده را محاکمه نماید».

درحالی‌که تا دهه ۷۰ عمده رفتارهای تند اعتراضی در تهران رخ می‌داد، اما به دلایلی در یکی، دو دهه اخیر دو شهر مشهد و قم بدل به پایگاه تندروی شده‌اند. به نظر می‌رسد که آنها در این دو شهر هم حامیانی دارند و هم حاشیه امن‌تری نسبت به تهران. رسول منتجب‌نیای اصلاح‌طلب چندی قبل به برنا گفته بود: «واقعیتی وجود دارد و آن هم این است که مجموعه‌ای بی‌منطق و تندرو شکل گرفته‌اند و مرکز آنها عمدتا در قم و مشهد است یا می‌توان گفت، حداقل محل ظهور آنها در این دو شهر است. در برخی از مجالس قم تعدادی برای این کارها تربیت شده و آموزش دیده‌اند تا در روزهایی که کشور درگیر بحران است، علیه هر کسی که خواستند تظاهرات کنند».

می‌خواهند روحانی عصبانی شود

غلامعلی رجایی، فعال سیاسی، با اشاره به اینکه باید حساب توهین‌کنندگان را از جریان‌های سیاسی اصیل و ریشه‌دار کشور جدا کرد، به ایرنا گفته است: «به عنوان مثال آن فردی را که در شبکه چهارم حضور پیدا کرد و سخنان زشتی به زبان آورد، نباید جزء جریان‌های سیاسی تابلودار کشور به شمار آورد. من در جریانات سیاسی موجود چه چپ و چه راست چنین رویه‌ای را نمی‌بینم. انتقاد به دولت قابل پذیرش است، اما استفاده از ادبیات توهین‌آمیز و دروغین قطعا ازسوی هیچ فرد عاقلی مورد پذیرش نیست. شما دیدید که در مجلس هم با آقای ظریف رفتار درستی انجام نشد. بنابراین تندروهای جناح راست که عمدتا ریشه در جبهه پایداری دارند دست به این اقدامات می‌زنند که مایه تأسف برای کشور است. به نظر من می‌خواهند روحانی را با بدرقه بدی مواجه کنند و رئیس‌جمهور را عصبانی کنند. روحانی هم عصبانی بشود ممکن است حرف‌هایی بزند که دوباره همین جریانات به بهانه همین حرف‌ها حملات به دولت را افزایش دهند. به عنوان مثال حرف‌هایی که روحانی درباره بودجه زد نشان داد که اگر بخواهد وارد زمین بیان واقعیت‌ها شود دست روحانی پر است». او در پاسخ به این پرسش که چرا توهین به رئیس‌جمهور آزاد است اما نقد قوای دیگر امکان‌پذیر نیست هم گفت: این امر یکی از نقیصه‌هایی است که در کشور وجود دارد. قوه قضائیه در مسئله توهین به رئیس‌جمهور سستی کرد.»

اخیرا جمعی از نمایندگان اصولگرای مجلس یازدهم با ارسال نامه شکایتی به رئیس مجلس و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در ۱۸ مورد از روحانی شکایت کرده‌اند. آنها خواستار صدور حکم قضائی علیه روحانی شده‌اند. گویا قرار شده درباره این شکوائیه در صحن مجلس رأی‌گیری شود. هم‌زمان هم صفحه‌ای در اینستاگرام راه‌اندازی شده با نام محاکمه حسن روحانی. این پیج ۱۱ هزار فالوئر دارد و آخرین پستش، توییت مجتبی رضاخواه نماینده و عضو هیئت‌رئیسه مجلس است.

شکایت‌های بی‌سرانجام

ماجرای شکایت از رؤسای جمهور بیشتر به یک ژست و شوآف سیاسی بدل شده است. اگر به سابقه ماجرا درباره احمدی‌نژاد نگاه کنیم ماجرا شفاف‌تر می‌شود. نکته جالب این است که شکایت‌ها از احمدی‌نژاد بیشتر فنی و حقوقی بود، اما شکایت‌ها از روحانی که از سوی اصولگرایان تندرو هدایت می‌شود بیشتر سیاسی و کلی است. ماه‌عسل احمدی‌نژاد و اصولگرایان که رو به پایان گذاشت، برخی شکایت‌ها درباره تخلف احمدی‌نژاد در اجرای قوانین از سوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نهم به قوه قضائیه فرستاده شد. اما هیچ وقت خبری از سرانجام این شکایت‌ها و پرونده‌ها نشد. به نظر می‌رسد بعد از گذشت این همه سال، پرونده‌ها مختومه شده است.

گمرک جمهوری اسلامی ایران

آگهی ابلاغ

بدینوسیله به آقای رحمان رستاد فرزند علی‌محمد به شماره شناسنامه ۱۲۸۱۷ ابلاغ می‌گردد: پرونده اتهامی شما در هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری گمرک ایران مطرح ومنتج به صدور رأی قابل پژوهش به شماره ۹۹/۲/۵/۵۱۲/۱۵۷/ه مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ مبنی بر اخراج از دستگاه متبوع گردیده است و پس از یک ماه از تاریخ درج آگهی، در صورت عدم اعتراض، رأی قطعی و قابل اجرا می‌باشد.

اداره کل منابع انسانی و رفاه
گمرک جمهوری اسلامی ایران

م الف ۱۳ ۳۶

ادامه از صفحه اول

نقدی بر مجموعه روزهای ابدی

یکی از مناقشه‌برانگیزترین بخش‌های سریال درگیری‌های سیاسی در گنبد، ترکمن‌صحرا و مناطق کردنشین غرب کشور (مریوان و سردشت) است.

در چند قسمت روزهای اخیر، این سریال به مسائل قومی و روند حوادث در گنبد (قوم ایرانی ترکمن) و غرب کشور، یعنی حوادث کردستان و احزاب دموکرات و کومله و فدایی‌ها و سایر جریان‌های تجزیه‌طلب اوایل انقلاب در شهر مریوان و اطراف سردشت (آلواتان) را بازگو می‌کند. لازم به ذکر است از فردای پیروزی انقلاب و پس از حمله به شهربانی و سپس حمله به پادگان مهاباد در ابتدای اسفندماه ۱۳۵۷ و درگیری‌های سنندج در اواخر اسفندماه ۱۳۵۷ فضای مناطق کردنشین در استان‌های کردستان و آذربایجان غربی به شدت متشنج شده بود. این رویدادها در نهایت در ماه‌های بعد شدت یافت و درگیری‌های نظامی در این حوزه از سویی میان نیروهای ارتشی و سپاه و پیشمرگان کرد مسلمان با احزاب مسلح مستقر در منطقه و از سوی دیگر میان احزاب رقیب مستقر در منطقه صدها نفر کشته و زخمی بر جای گذاشت. شوربختانه در کشور درباره این تحولات مهم سیاسی در مرزهای غربی کشور تاکنون آثار پژوهشی قابل توجهی منتشر نشده است. همچنین فیلم‌های مستندی که هریک به زوایای این درگیری‌ها و تنش‌ها بپردازند نیز تولید آن‌چنانی نداشته‌اند. در چنین فضایی ورود سریال روزهای ابدی به اتفاقات سال نخست پس از پیروزی انقلاب بدون مشورت و بهره‌گیری جدی از نظرات کارشناسان و اهل فن و محققان در این حوزه موجب شده تا فیلم ارزش روایی بالایی نداشته باشد. به عنوان نمونه درحالی‌که داستان فیلم در اطراف شهرستان مریوان و نیز آلواتان شهرستان سردشت می‌گذرد، اما گویش و زبان شهروندان و اهالی در این مجموعه تلویزیونی زبان و گویش مردم کرمانشاه است! این توضیح به روشنی نشان می‌دهد چه اندازه تولیدکنندگان این فیلم با فضای فرهنگی و اجتماعی غرب کشور بیگانه هستند. طرفه آنکه اساسا مناطقی که با گویش کرمانشاهی، کلهر و سنجابی گویش‌ور دارد، از حوزه‌های حضور احزاب چپ و احزاب محلی در جریان تحولات غرب کشور دور بودند! یعنی اساسا این مناطق شاهد حضور احزاب مذکور نبوده‌اند! آیا چنین فیلمی بی‌خبر از واقعیاتی که برای هر دانشجوی تازه‌کاری در این حوزه کاملا روشن و بدیهی است، می‌تواند روایتگر دقیق و مستندی از تحولات مرتبط با حضور احزاب مسلح در غرب کشور باشد! حتی ایفاگر نقش صدیق کمانگر (یکی از مسئولان حزب کومله در آن دروه) نیز به فارسی گویش کرمانشاهی در فیلم به ایفای نقش می‌پردازد! یکی دیگر از جهت‌گیری‌های فیلم منتسب‌کردن احزاب مستقر در کردستان ازجمله دموکرات، کومله، چریک‌های فدایی اقلیت و پیشگام به آمریکا و سیاست آمریکایی‌ها است. درحالی‌که براساس مدارک موجود و مستندات فراوان این احزاب همگی در اردوگاه چپ و مارکسیسم خود را تعریف و حتی علیه آمریکا نیز اقدام به موضع‌گیری‌های تند از طریق انتشار بیانیه و شعار و تجمع و... می‌کردند. چه نیازی است این احزاب را از بستر اصلی‌شان یعنی مارکسیسم- لنینیسم یا استالینیسم و حتی مائوئیسم جدا کرده و با قلب واقعیت به آمریکا متصل شوند!؟ درباره وابستگی این احزاب به اردوگاه چپ نیز اسناد و مدارک بسیار روشن و غیر قابل تردیدی وجود دارد و اسناد حزبی نیز کمابیش در دسترس است. این احزاب خود را در اردوگاه ستیز با امپریالیسم آمریکا تعریف می‌کردند! حتی حزب دموکرات و رهبران حزب دموکرات از جمله عبدالرحمن قاسملو از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام حمایت کردند! یکی دیگر از نقدهای وارده بر این سریال در بی‌توجهی و کم‌توجهی به نقش ارتش در درگیری‌های روزهای نخست و ماه‌های نخست پس از انقلاب ازجمله تیمسار ظهیرنژاد و نیز دکتر چمران است! بار اصلی مدیریت جنگ در سال نخست درگیری‌های غرب کشور بر دوش ارتش قرار داشت... . همچنین این نکته بدیهی را یادآوری کنم که در مناطق کردنشین غرب کشور مقاومت جدی و محسوس و بزرگی توسط اهالی در برابر احزاب مسلح چپ و قوم‌گرا، یعنی دموکرات، کومله، فدایی خلق اقلیت و پیشگام و پیکار ظهور و بروز داشت که در فیلم روزهای ابدی نشان روشنی از آن دیده نمی شود. بیش از ۵۲ درصد از شهدای ثبت‌شده که جانشان را در برابر گروه‌های مسلح منطقه از دست دادند، از شهروندان استان‌های کردنشین غرب کشور بودند. تنها در شهر سنندج بیش از ۵۰۰ نفر شهید به دلیل کشته‌شدن توسط احزاب مسلح مستقر در منطقه ثبت شده است، درحالی‌که در این فیلم نشانی از مقاومت آنان دیده نمی‌شود. مقاومت مردم سنندج در برابر کومله در نخستین انتخابات شورای شهر سنندج در سال ۱۳۵۸ نمودار شد که نامزدهای کومله نتوانستند علیرغم حضور مسلحانه در این شهر بر شورا تسلط یابند! یکی دیگر از کاستی‌های این مجموعه تلویزیونی اشاره‌نکردن به حضور احزاب کرد عراقی از جمله اتحادیه میهنی و قیاده موقت در تحولات سیاسی در کردستان است. امروزه ده‌ها شبکه به زبان‌های کردی در منطقه فعالیت دارند. احزاب مسلح نیز با استفاده از این شبکه‌ها در حال ارائه روایت خود از تحولات دهه ۵۰ در مناطق کردنشین کشور هستند. متأسفانه در درون کشور تا به حال غفلت بزرگی درباره پرونده تحولات سیاسی و امنیتی و نظامی در غرب کشور در دوره ۱۰ساله ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ صورت گرفته است. کمتر کار رسانه‌ای درخوری برای بررسی و ریشه‌یابی این موضوعات منتشر شده است.

ادامه در صفحه ۹